

بخش هشتم  
( قسمت اول )

دام جهانی شدنی ، تعرض به دموکراسی و رفاه  
نوشته ی هانس پتر مارتین و هارالد شومن

ترجمه ی فریبرز جعفرپور

حکومت به چه کسی تعلق دارد؟

"در اروپا تنها این تبهکاری و سرمایه داری است که به صورتی  
فرامیلتی تشکل یافته است."

کورت توخولسکی ۱۹۲۷

"زمانی را که در آن کارفرمایان تمامی پول کشور را به خارج منتقل کرده اند ،  
زمان جدی بودن شرایط می نامند."

کورت توخولسکی ۱۹۳۰

مارتین ، ثروتمند بیچاره. هنگامیکه در اوایل ماه مارس ۱۹۹۶ دو بیست و پنجاه تن از  
مامورین مالیاتی دفاتر مرکز کومرس بانک در فرانکفورت را به هدف یافتن مدارکی بر  
علیه این بانک تفتیش نمودند رئیس این چهارمین بانک بزرگ آلمان اعصاب خرابی داشت.  
این فرد مارتین کوهل هاوزن یکی از بزرگان دنیای دارایی است. این مدیر طراز اول  
اقتصادی معتقد است که وی و بانک اش که یکی از نهادهای مهم اقتصادی آلمان است می  
باید قربانی یک توطئه ی دولتی گردند. وی در اطلاعیه ای داخلی خطاب به همکاران اش  
نوشت این تفتیش "عملی هدفمند بر علیه بانک ما، مشتریان ما و خود ما است." هیچیک از  
اعضای رهبری بانک "هیچگونه عملی بر خلاف قوانین حاکم ننموده اند." بانک ما هیچگونه

جرمي مرتكب نشده است." و عزا گرفته بود كه "تمامي ما به شيوه اي غير محق مجرم ناميده مي شويم."

ليكن كهل هاوزن خود از اعمال خويش بخوبي واقف بود. زيرا در همان روزي كه وي هرگونه عمل خلاف قانون بانك اش را انكار مي نمود دو تن از همكاران اش در هيئت مديره ي بانك به نام هاي كلاوس پاتيگ و نوربرت كزيك طي نامه اي به اداره ي سوم دارائي شهر فرانكفورت به اعمال شديد ضد قانوني بانك خويش اقرار نمودند تا بدنيوسيله از تعقيب قانوني نجات يابند. اين دو تن اقرار نموده بودند كه بيلان هاي داده شده به نهادهاي مالياتي داراي "نكات نادرستي" بوده اند. از جمله آنكه بانك با كم كردن زيان هاي شعبات خارجي از سودهاي شعبه هاي آلماني، سطح سودهاي داخلي و از آن طريق بار مالياتي خويش را تقليل داده است. كمى بعد مجله ي اشپيگل با استناد به گفته هاي بازرسان مالياتي نوشت: بانك در اين عمل اش بسيار كودكانه عمل نموده است و انتقال زيان هاي شعبات خارجي اش به شعبات آلماني در اين مورد مشخص جايز نبوده است. اين بانك از سال ۱۹۸۴ يعني يك دهه ي تمام، بيلان هاي مالياتي غلط به وزارت دارائي ارائه داده بود. بدينگونه مسئولين امور مالياتي كومتس بانك تنها در سال ۱۹۸۸ سطح سودهاي شامل ماليات خويش را به مقدار هفتصد ميليون مارك پائين آورده بودند. با اين حساب بانك مزبور در طول سال هاي متمادي مجموعا حدود نيم ميليارد مارك از درآمدهاي مالياتي دولت كاسته بود. (۱)

بدين طريق بازرسان مالياتي ايالت هسن براي اولين بار قادر گرديدند بر پايه ي يك مورد مشخص و مدارك محكم صحت آنچه را كه همكارانشان سال هاي متمادي گزارش داده بودند، در افكار عمومي به اثبات رسانند. شركت هاي فرامليتي در نتيجه ي درهم آميختگي جهاني شدن در يك حوزه ي تاريخ روشن مالياتي عمل مي نمايند كه در آن به سادگي مي توان سودها را به يك حداقل ممكن تقليل داد.

ماموران وزارت دارائي هسن با اين تفتيش جنجالي در پايخت بانك هاي آلمان حركت به سوي نقطه ي اوج كوشش هاي چندين ساله ي خويش بر عليه فرارهاي مالياتي شهروندان و كارفرمايان آلماني به خارج از کشور را آغاز نمودند. در بيش از چهل شعبه ي نهادهاي مالي معروف نظير درسدر بانك، بايريشه هيپوتكن بانك، بانك آمريكائي مرل لنچ و... پرونده هاي مربوط به حساب هاي بانكي چندين هزار مشتري كه گمان مي رفت بخشي از ثروت خويش را به لوكزامبورگ، ليختن اشتاين و يا كشورهاي ديگر منتقل نموده بودند، توقيف گرديدند. از ديد بسياري از ناظران، وزارت دارائي مي خواست ديگر به مسامحه كاري اش در مقابل بانك هاي عامل فرارهاي مالياتي ثروتمندان پايان دهد. حتي هلموت كهل هم از نتايج اين تحقيقات "اظهار خوشحالي" نمود و گفت كشوري كه به تخلف هاي مالياتي به چشم جرم هاي كوچك بنگرد "آينده اش را از هم اكنون باخته است."

صدر اعظم آلمان خطر را صحيح تشخيص داده است، ليكن دليلي براي خرسندي وجود ندارد. مقدار و شدت كنترل ماموران وزارت دارائي به هر درجه هم كه باشد قادر نخواهد بود ارقام واقعي تخلف هاي مالياتي حاصل از جنگ دراز مدت و مخفي فرار ثروت ها و سودهاي كارخانه ها از پرداخت ماليات ارائه دهند. زيرا تنها دارندگان مشاغل آزاد بي اطلاع و مديران اقتصادي بي پروا براي فرار از ماليات سودهايشان از شيوه هاي غيرقانوني استفاده مي نمايند. كنسرن هاي داراي مديرانيت كارآمد و شركت هاي اداره كننده ي ثروت ها نيازي به چنين شيوه هائي ندارند. در جنگل بازار

دارائی فراملیتی بدون کتاب قانون هم می توان بارهای مالیاتی را به طور دلخواه و در صورت ضرورت حتی تا ده درصد تقلیل داد.

## "از ما دیگر چیزی دریافت نخواهید کرد!"

شرکت های بزرگ آلمانی مدت هاست که این امر را به نمایش نهاده اند. بعنوان مثال کنسرن ب. ام. و. به مثابه پرسودترین کنسرن اتومبیل سازی آلمان که در سال ۱۹۸۸ هنوز مبلغ ۵۵۴۵ میلیون مارک به حساب وزارت دارائی واریز نمود. در چهار سال بعد تنها شش درصد این مقدار یعنی سی و یک میلیون مارک مالیات سالیانه پرداخت. سال بعد ب. ام. و. باوجود سودهای در مجموع افزایش یابنده و سود سهام ثابت \_ حتی در داخل آلمان اعلام ضرر نمود و سی و دو میلیون مارک نیز از وزارت دارائی دریافت کرد. فولکر دوپفلد رئیس بخش امور مالیاتی ب. ام. و. با شهامت تمام می گوید: "ما سعی داریم مخارج را در آن جاهائی به وجود آوریم که بالاترین مالیات ها وجود دارد. و این در داخل کشور است." آگاهان امور بانکی تخمین می زنند که از این طریق کنسرن مزبور در فاصله زمانی میان سال های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸ مجموعاً از پرداخت یک میلیارد مارک مالیات به دولت آلمان سرباز زده است. (۲)

کنسرن الکترونیکی غول آسای زیمنس نیز مرکز مالیاتی اش را به خارج منتقل نموده است. از ۲،۱ میلیارد سود این کنسرن در سال ۹۵ \_ ۹۴ کمتر از صد میلیون مارک مالیات به وزارت دارائی آلمان داده شده است. در سال ۱۹۹۶ زیمنس دیگر مالیاتی نپرداخت. (۳)

در بیلان سال ۱۹۹۴ کنسرن دایملر. بنز ذکر کرده است که مالیات سودها "بطور عمده در خارج پرداخته شده است." حتی کهل هاوزن کومرتس بانکی نیز در اواخر ماه مارس ۱۹۹۶ اثبات نمود که متخصصین امور مالیاتی بانک اش دیگر یاد گرفته اند که چگونه می توان به شیوه های قانونی از پرداخت مالیات فرار نمود. وی سه هفته بعد از هجوم ماموران اداره ی مالیات به دفترش به شیوه ای سرکشانه گزارش مالیاتی سالانه ی بانک اش را اعلام نمود. گزارشی که جز تمسخر مالیات دهندگان عادی معنی دیگری نداشت. طبق این گزارش سود کومرتس بانک در سال ۱۹۹۵ در مقایسه با سال قبل از آن دو برابر گردیده و به ۱،۴ میلیارد مارک رسیده بود، لیکن مقدار مالیات پرداختی به دولت نصف گردیده و به کمتر از صد میلیون تقلیل یافته بود. (۴)

تقلیل شدید مالیات ها تنها شامل حال کنسرن های بزرگ نیست. تعداد بیشماري از موسسات خصوصی متوسط نیز قادرند با استفاده ی اصولی از تفاوت های موجود در قوانین مالیاتی کشورهای مختلف مقدار مالیات خویش را در سطح بین المللی به کمترین مقدار ممکن برسانند. ساده ترین شیوه برای تقلیل بار مالیاتی شیوه ی به اصطلاح "واگذاری" است. اساس این شیوه ایجاد شعبات و شرکت های وابسته برون مرزی است. از آنجا که این شرکت ها قطعات اولیه، خدمات و یا لیسانس ها را با یکدیگر معادله می نمایند، هر کارخانه می تواند هر مقدار مخارجی که می خواهد در بیلان مالیاتی اش منظور دارد. از

این رو مخارج شرکت هائی که در سطح بین المللی عمل می نمایند همیشه در آن جاهائی بالاترین مقدار را نشان می دهند که سطح مالیات ها بسیار بالا باشند. برعکس همیشه بالاترین رقم سودها این گونه شرکت ها در شعبات واقع در بهشت های مالیاتی و یا کشورهای هائی که سطح مالیاتشان پائین است ، اعلام می گردد. حتی اگر از شعبات مزبور فقط دفتری با يك دستگاه نامبر و دو کارمند باشند.

بازرسان وزارت دارائی در مقابل این شیوه کار هیچ سلاحي در دست ندارند. اینکه آیا قیمت های حساب شده برای معاملات درونی کنسرن ها بالا می باشند یا نه را غالبا نمی توان تشخیص داد. زیرا برای تعیین بهای بسیاری از خدمات مزبور بندرت معیاری در بازار وجود دارد. تنها در زمانی که برنامه ریزان کنسرن ها به صورتی بسیار علنی تقلب نمایند بازرسان مالیاتی قادر به افشای این تقلب ها خواهند بود. مثلا در کشور مالیات بالای ژاپن تعداد زیادی از کنسرن های فراملیتی در اوائل دهه ی هشتاد در تقلب های مالیاتی شان زیاده روی کردند. در پائیز ۱۹۹۴ وزارت دارائی ژاپن از شصت شرکت از جمله کنسرن های جهانی سیبا\_ گایگی و کوکاکولا بیش از دو میلیارد دلار جریمه ی مالیاتی دریافت نمود. زیرا قیمت هائی که این کنسرن ها برای معاملات داخلی شان در بیلان سالیانه شان منظور کرده بودند بسیار بالا بودند. یکی از این کنسرن ها کنسرن داروئی هوست بود که بازرسان مالیاتی به آن ایراد گرفته بودند که از سال ۱۹۹۰ تا سال ۱۹۹۲ جهت خرید مواد اولیه اش از کارخانه های خارجی وابسته به خود مجموعا صد میلیون دلار بیشتر از بهای واقعی این مواد پرداخته بود. (۵)

مسئله چین ضربه های کوچکی از سوی بازرسان به جان رسیده از تقلب های مالیاتی سازمان یافته کنسرن ها، تاثیر چندانی ندارند. در هر کجا که شیوه "واگذاری" به خارج نتواند نتایج مطلوب را بدست بدهد، حقه های دیگری به کار برده می شود. یکی از این حقه های دائما مورد استفاده "دوبار کسر مخارج" است. در این شیوه از تفاوت های موجود از قوانین کسر مخارج از درآمدها کشورهای مختلف چنان استفاده می شود که مخارج ناشی از تهیه ی ماشین آلات ، نیروگاه ها و هواپیماها در آن واحد در دو کشور مختلف باعث تخفیف های مالیاتی گردند. یکی دیگر از شیوه های بسیار معمول شیوه ی معروف به "داچ ساندویچ" است. در این شیوه شعبه ی يك کنسرن در هلند با یکی از شعبات اش در یکی از بهشت های مالیاتی مانند جزایر آنتیلن مستعمره ی هلند مشترکا کار می کنند. وجود دوگونه قانون مالیاتی در این دو مکان این امکان را بوجود می آورد که نه دهم سودها به جیب کنسرن ها و تنها يك دهم آن ها به عنوان مالیات نصیب دولت ها گردد.

روشن است که تمامی کشورهای جهان سعی دارند با اینگونه شیوه ها از طریق اشکال بهتر کنترل و وضع قوانین مناسب مقابله نمایند. لیکن این اقدامات در عمل نتایج چندانی ندارند. یکی از وکلای متخصص امور مالیاتی که در سراسر جهان موکلینی دارد در این مورد می گوید: "در نهایت می توان از طریق پیچیدگی ساختار شرکت ها بر تمامی جابجائی های سودها سرپوش نهاد." یوهانس هوفر یکی از متخصصین مالیاتی طراز اول وزارت دارائی آلمان نیز معتقد است که تقلب ها و کنترل ها در حوزه ی مالیاتی "همچون مسابقه ی لاک پشت و خرگوش است." زیرا مشاورین واقعا خوب مالیاتی همیشه قدمی از ماموران وزارت دارائی جلوترند. (۶)

آنگونه که هانس گئورگ هاووزر سخنگوی دولت در امور مالیاتی اقرار می کند شرکت هایی که فراتر از مرزهای کشور عمل می کنند در طول دهه ی گذشته قادر گردیده اند از این طریق تقریباً تمامی کشورهای جهان را گرفتار "یک رقابت سیستم مالیاتی" نمایند. از آنجا که کشورها برای جلب سرمایه گذاری های بین المللی با هم در رقابت اند، مقدار مالیات های دریافتی شان به خاطر عجز ماموران مالیاتی شان، در پائین ترین سطح باقی می ماند. این تقلیل مالیات ها از سال ۱۹۸۶ یعنی زمانی که دولت آمریکا مالیات سودهای شرکت های سرمایه گذاری را از چهل و شش درصد به سی و چهار درصد تقلیل داد و بدینوسیله یک استاندارد بین المللی بوجود آورد، آغاز گردید. بتدریج دیگر کشورهای صنعتی نیز ناچار گردیدند این راه ایالات متحده را در پیش گیرند.

در این میان رقابت در درون اتحادیه ی اروپا ابعاد مسخره ای بخود گرفته است. بلژیک از سال ۱۹۹۰ پیاپی شرکت هایی عرضه می کند که حداقل در چهار کشور فعالیت دارند. کنسرن ها می توانند از طریق این شرکت ها هرگونه خدماتی مانند تبلیغات، بازاریابی، مشاورت حقوقی و بیش از همه معاملات پولی شان را مرکزیت بخشند بدون آن که ناچار باشند بجز برای بخش ناچیزی از پرداخت های محلی خویش، مالیاتی بپردازند. این شکل کار بسیار مورد استقبال قرار گرفته است. لیست کنسرن های استفاده کننده از این شکل کار از کنسرن های بسیاری، کنسرن نفت آگسون و موبیل گرفته تا کنسرن تولید لاستیک کونتیننتال را دربر می گیرد. کنسرن اپل با ایجاد یک مرکز دارائی در شهر انت ورپن در مالیات صرفه جوئی می کند. فولکس واگن متخصصین تقلیل دهنده ی مالیات هایش را در بروکسل، دایملر بنز در شهرک زاونتم و ب. ام. و. در بورنم مستقر نموده است. به شکرانه ی دست و دلبازی بلژیکی ها این شعبات واقع در قلب اروپا به پرسودترین شعبات کنسرن ها تبدیل گردیده اند. طبق گزارش کار سالانه ی شرکت ب. ام. و. این شرکت در شعبه ی بلژیک اش گویا یک سوم مجموعه ی سودهای خود را بدون اینکه حتی یک اتومبیل تولید کرده باشد، کسب کرده است. (۷) از این هم پرجاذبه تر امکانات فرار از مالیاتی است که دولت ایرلند در اختیار تمامی کسانی که امور مالیاتی شان را از دفتری در دابلین رهبری نمایند، نهاده است. از هر مارک سودی که از طریق این شعبات ظاهری کسب گردد تنها ده فنیک (یک دهم مارک) می باید بابت مالیات به خزانه ی دولت ایرلند واریز شود. از این رو امروزه قصرهای شیشه ای ساخته شده در بندر قدیمی شهردابلین شعبه های کوچک پانصد کنسرن فراملیتی را در خود جا داده اند. طبق اظهارات رئیس اتاق بازرگانی آلمان \_ایرلند این شعبه ها همگی "آدرس مرکزی" کنسرن های مزبور می باشند. در کنار میتسوبیشی و چپسی مانهاتان تمامی بانک ها و شرکت های بزرگ بیمه ی آلمانی در اینجا شعبه دارند. حتی شرکت تعاونی کلیسای پروتستان شهر کاسل آلمان نیز در اینجا شعبه ای جهت اداره ی دارائی هایش برپا نموده است. طبق تخمین وزارت دارائی آلمان فقط شرکت های آلمانی حاضر در هلند از سال ۱۹۹۴ از این طریق بیست و پنج میلیارد مارک به خزانه ی دولت زیان رسانیده اند. (۸)

نتایج این جهان گردی بی حد و مرز مالیاتی بسیار روشن است، لیکن با تمامی این اوصاف در بحث های سیاسی مسکوت نهاده می شوند. در اقتصاد فراملیتی در کنار استقلال پولی و نرخ تبدیل ارز یک حوزه ی مرکزی دیگر استقلال ملی، یعنی استقلال مالیاتی نیز بتدریج از بین می رود. طبق گزارش انیستیتود تحقیقات اقتصادی برلین حد متوسط مالیات موثر سودهای شرکت ها و موسسات خصوصی در آلمان از سال ۱۹۸۰ تا سال ۱۹۹۴ از ۳۷ درصد به ۲۵ درصد تقلیل یافته است. و این پدیده ای ویژه ی آلمان نیست. در رقابت های

مالیاتی درصد مالیات کارفرمایان نه در این یا آن کشور که در سطح جهان تقلیل می یابد. امپراتوری زیمنس حتی تا سال ۱۹۹۱ نیز نیمی از سودهایش را به صد و هشتاد کشور جهان که در آن ها شعباتی داشت ، می پرداخت. تنها در عرض چهار سال این مالیات به بیست درصد مقدار گذشته ی خود تقلیل یافته است.

بدین طریق این دیگر نه حکومت های منتخب مردم بلکه بیشتر رهبران راهنمای جریان سرمایه و کالا هستند که تعیین می نمایند چقدر مالیات می باید به خزانه ی دولت واریز شود. در این میان یورگن شرمپ رئیس هیئت مدیره ی کنسرن دایملر بنز این واقعیت که بعضی از بازیگران بازار جهانی شده دیگر تا چه حد انکاً به نفس دارند را در آپریل ۱۹۹۶ به متخصصین بودجه دولت در مجلس فدرال آلمان نشان داد. شرمپ در هنگام صرف شام با نمایندگان مجلس گفت کنسرن وی حداقل تا سال دوهزار دیگر برای سودهایش مالیاتی به دولت آلمان نخواهد پرداخت. عین سخنان شرمپ چنین بود: "شما دیگر چیزی از ما دریافت نخواهید کرد." توضیحات مفصل مانفرد گنتس رئیس بخش مالیاتی کنسرن در مورد حساب سودهای کسب گردیده در خارج از کشور و سرمایه گذاری ها در آلمان شرقی را نمایندگان مجلس با سکوتی خجالتی گوش دادند. (۹)

## سوراخ های سیاه در خزانه ی دولت

اما خشك گردیدن چشمه ی درآمدهای دولت توسط اقتصاد بی حد و مرز گذشته تنها شامل درآمدها نمی گردد. فرامیاتی جدید در آن واحد بخش در حال افزایشی از مخارج دولتی را نیز به کیسه ی خویش هدایت می کند. رقابت بر سر کم کردن مخارج دولتی با رقابت بر سر دست و دلبازانه ترین هدایای سوبسیدی به کارخانه ها همراه است. در این میان دیگر واگذاری زمین های کارخانه ها و ایجاد تمامی زیر ساختارهای مورد نیاز آن ها نظیر جاده ها، ریل ها و آب و برق بخشی از حداقل استانداردهای بین المللی محسوب می گردند. در هر جایی که يك کنسرن قصد برپا نمودن کارخانه ای را دارد، طراحان مخارج آن می توانند بر روی همه نوع کمک های دولتی حساب نمایند. مثلاً زمانیکه کنسرن کره ای سامسونگ به خاطر سرمایه گذاری يك میلیارد دلاری اش در شمال انگلستان حدود صد میلیون دلار از وزارت دارائی انگلیس دریافت نمود همه از مناسب بودن این مقدار کمک وزارت دارائی سخن می گفتند. کشورها و مناطقی که می خواهند در شبکه ی تولیدی کنسرن مرسدس بنز جای گیرند می باید مقادیر به مراتب بیشتری بپردازند. مالیات دهندگان اتحادیه ی اروپا می باید برای ساختن کارخانه ی جدید مخصوص تولید اتومبیل های کوچک بنز در فرانسه يك چهارم کل سرمایه گذاری کنسرن مزبور را پرداخت نمایند. اگر مقدار تخفیف های مالیاتی بیش بینی شده به این کنسرن را نیز به رقم مزبور اضافه کنیم کمک های دولتی اتحادیه ی اروپا به این سرمایه گذاری به يك سوم کل مقدار آن می رسد. البته بدون داشتن کوچکترین سهمی. (۱۰) لیکن این امر بهیچوجه امری غیر عادی نیست. این مقدار کمک دولتی معادل حد متوسط کمک های دولتی کشورهای اتحادیه ی اروپا برای نقاط خارج از محدوده ی مراکز پر جمعیت است. البته درصد این کمک ها نسبت به در صد بیکاران هر کشور و عجز سیاستمداران اش بالا می رود. مثلاً در سال ۱۹۹۳ ایالت نسبت به دیگر ایالات آمریکا فقیر آلاباما برای ایجاد کارخانه ی مرسدس بنز پنجاه و پنج درصد

تمامی مخارج را به عهده گرفت. در مقایسه با این کمک ها معافیت مالیاتی ده ساله ی جنرال موتور در لهستان و تایلند به خاطر ساختن کارخانه هائی در سال ۱۹۹۶ یک فروتنی محض محسوب می گردد.

بالاترین کمک های دولتی تاکنونی را دولت آلمان به کارخانه های آلمان شرقی نموده است. کارخانه ادونچت مایکرو دیونسس (ای. ام. دی.) برای ایجاد یک کارخانه ی میکروشیب در درسدن (آلمان شرقی) مبلغ هشتصد میلیون مارک یعنی معادل سی و پنج درصد کل سرمایه گذاری هایش را از دولت آلمان دریافت نمود. علاوه بر این دولت فدرال و حکومت ساکسون ضمانت یک وام یک میلیارد دلاری کارخانه را نیز منقبل شدند. پانصد میلیون مارک دیگر را نیز یک کنسرسیوم بانکی که بانک های دولتی نیز در آن شرکت دارند، پرداختند. بیک کلام کنسرن مزبور کمتر از یک پنجم کل سرمایه گذاری اش را خود تامین نمود. (۱۱) شرایط سرمایه گذاری کنسرن های ایل و ب. ام. و. در شهر کمینیتس، موزل و ایزن باخ نیز بهمین شکل بوده است. اقدامات مدرن سازی شرکت کشتی سازی اوست ز توسط کنسرن برمر ولکان و شرکت کشتی سازی نروژی کاورنر طبق نقشه های ارائه شده ۶،۱ میلیارد مارک را خواهد بلعید. بعد از ورشکست شدن کنسرن ولکان که بخشی از کمک های گرفته شده را به کارخانه های بیماراش در آلمان غربی تزریق نموده است، احتمالاً می باید نیم میلیارد مارک دیگر به این مخارج افزوده گردد. اما این اصل را که کمک های دولتی با هدف جلب کنسرن های جهانی چگونه می توانند به سوراخ سیاهی برای خزانه ی دولت تبدیل گردند را حکومت هلموت کهل در مورد کارخانه های شمیائی منطقه های صنعتی گذشته ی آلمان شرقی در حوالی شهرهای بونا، لوینا و بیترفلد بخوبی درک نمود. در اینجا خود صدر اعظم آلمان با چشم بسته به دام افتاد.

## "به خانواده های ما بیندیش!"

هنگامیکه هلموت کهل در دهم ماه مه ۱۹۹۱ به خاطر یکی از سخنرانی های انتخاباتی اش با هلی کوپتر در شوکوپا بر زمین نشست قصد داشت در خانه ی فرهنگی کارخانه ی بونا اعتماد کارگران را به خود جلب نموده و "امیدهایش را به نمایش بگذارد". لیکن بعداً با یاس مردمی که فقر تهدیدشان می کرد از نزدیک آشنا شد. یکی از کارگران که در پشت نرده های ردیف اول ایستاده بود خطاب به وی فریاد زد: "به خانواده های ما بیندیش". در درون سالن کارخانه رئیس شورای کارگران کارخانه ی بونا به وی کوشزد نمود که در واگزار نمودن کارخانه به بخش خصوصی سرعت بخشد تا حداقل هشت هزار محل کار باقیمانده از هیجده هزار محل کار گذشته حفظ گردند. یکی از خانم های سخنگو خطاب به صدر اعظم گفت "تمنا می کنم اقدامی بفرمائید. تمنا می کنم ما را مایوس نکنید." ظاهراً این گفته ها "فیل سیاست آلمان" را تحت تاثیر قرار دادند. وی که خود در شهر لودویگز هاوفن که محل کارخانه ی شمیائی ب. آ. اس. اف. است پرورش یافته است نتوانست به خواهش کارگران این کارخانه بی اعتنا بماند. متن سخنرانی اش را تغیر داد و اعلام نمود که مایوس نکردن کارگران برای وی یکی از بدیهیات است و قول داد که در جهت "حفظ و ادامه ی رونق این کارخانه" اقدام نماید.

این قول گر چه با نیتی خوب داده شد و از دید انسانی قابل درک است ، لیکن یکی از گرانترین اشتباهات دوران حکومت کهل بود. زیرا دولت آلمان را مورد اخاذی مستقیم قرار داد. هیئت مدیره ی هر سه کنسرن غول پیکر داروئی آلمان با وجود تعهدی که هلموت کهل به کارگران داده بود به خاطر موقعییت فلاکت بار کارخانه های مزبور از سرمایه گذاری در این آن ها صرفنظر نمودند. در عوض چند تن از رهبران کنسرن آمریکائی داو کمیکال مناسب بودن زمان را تشخیص دادند. زیرا برن هارد برومر یکی از رهبران گذشته ی کنسرن شان اکنون کارخانه ی بونا را رهبری می کرد در حقیقت یکی از افراد کنسرن داو کمیکال در سرچشمه ی اطلاعات مربوط به کارخانه ی بونا نشسته بود. ابتدا رهبری این پنجمین کنسرن بزرگ جهان فقط اعلام علاقه به سرمایه گذاری در کارخانه ی مزبور رانموده و پیشنهادهائی کلی داد. در طی مذاکراتی چند ساله وکلای کنسرن هر چه خواستند با نمایندگان دولت کردند. نمایندگان که به خاطر قول صدر اعظم ناچار به موافقت بودند و هرچه بیشتر به دام وعده و وعیدهائی کنسرن گرفتار گردیدند. سرانجام در اوائل ماه ژوئن ۱۹۹۵ سه کارخانه ی شمیائی آلمان شرقی تحت نام ب. اس. ال. به تصاحب داو کمیکال درآمدند. وکلای کنسرن مزبور قراردادی در دست داشتند که يك معامله ی چند میلیارد مارکی بدون ریسک را تضمین می نمود. طبق این قرارداد همانگونه که اشاره شد کنسرن داو کمیکال تنها دویست میلیون دلار از مجموع چهار میلیارد دلار سرمایه گذاری شده را پرداخت و تازه آنها به شکل يك وام بهره دار از سودهای کنسرن مادر. در عین حال دولت می باید تضمین می نمود که تمامی زیان های ب. اس. ال. را تا آخر سال ۱۹۹۹ تا سقف ۲،۷ میلیارد مارک بپردازد. از آنجا که کار کارخانه با رقم ۳،۲ میلیارد دلار زیان شروع گردیده بود کنسرن داو برای مدت نامعلومی ،حتی اگر در این میان سود هم ببرد، از پرداخت هرگونه مالیاتی معاف می باشد. علاوه بر این کنسرن اجازه دارد به مدت سی سال به خرج دولت زمین های کارخانه ها را از سمومی که در گذشته وارد آن ها گردیده است پاک نماید. از این گذشته به خرج دولت برایش يك کانال به بندر روستوک ساخته می شود. تعهدات کنسرن در مقایسه با این همه کمک دولتی بسیار مضحک می نمایند. یکی از این تعهدات تضمین حفظ هزار و هشتصد محل کار آن هم تنها تا پایان سال ۱۹۹۹ است و اگر این تعداد محل کار نیز تا تاریخ مزبور تنزل یابد برای رهبری کنسرن مشکلی به وجود نخواهد آمد. زیرا طبق قرارداد کنسرن می باید به ازای هر محل کار از دست رفته تنها شصت هزار مارک جریمه بپردازد که در مقایسه با مجموعه ی کمک های دریافتی از دولت رقمی قابل اغماض است.

بيك كلام دولت آلمان مجموعاً رقمی معادل ده میلیارد دلار یعنی برای حفظ هر محل کار پنج میلیون مارک به داو پرداخته است. بهائی جنون آمیز. اگر با این پول حتی در جنگل های توبینگن آسمان خراش نیز ساخته می شد برای تعداد بیشتری انسان کار تولید می گردید. اگر این مبلغ صرف نوسازی شهرها، صنعت جهانگردی و یا گسترش دانشگاه ها می گردید، بیشك آلمان شرقی قدمی به سطح زندگی آلمان غربی نزدیکتر می شد. مطلع گردیدن افکار عمومی از معامله ی مسخره ی کارخانه ی بونا را ما مدیون پشتکار یکی از خبرنگاران نشریه ی اشپیگل می باشیم که ماه ها در مورد این قرارداد کند و کاو نموده بود. در این معامله کنسرن داو کمیکال بدون تن دادن به هرگونه ریسکی حداقل يك و نیم میلیارد مارک سود خواهد برد. حتی اگر تمامی کار کارخانه نیز به ورشکستگی بکشد. (۱۲) هنگامیکه داستان قرارداد مزبور منتشر گردید با وجود تمامی آنچه که برشمرده شد هیچگونه اعتراضی صورت نگرفت. اما کدام يك از سیاستمداران طراز اول آلمان می



توانست اعتراضی نماید؟ اگر هلموت کهل در مورد بونا اشتباهی بزرگ کرده بود تمامی سیاستمداران آگاه به امور اقتصادی نیز اشتباهات مشابهی نموده اند.

تمامی وزرات خانه های امور تحقیقات و اکتشافات ایالات آلمان خود به همین بی رویه گی بودجه ی وزارتخانه ی خویش را تقسیم می نمایند. به عنوان مثال کنسرن دایملر بنز که اکنون خود مالیاتی به دولت نمی پردازد در سال ۱۹۹۳ مبلغ پانصد میلیون مارک از بودجه ی وزارت تحقیقات را دریافت نمود. یعنی رقمی بیش از یک چهارم بودجه ی سالیانه ی ویژه ی امور تحقیقاتی دولت تنها نصیب یک کنسرن گردید. کنسرنی که فردا با تحقیقات ناشی از این کمک بدون آنکه حتی یک محل کار اضافی نیز در آلمان بوجود آورد، در گوشه ی دیگری از جهان سود خواهد برد. کنسرن زیمنس نیز با استفاده از وحشت سیاست از قواعد جدید بازی اقتصاد جهان فراگیر قدم های خوبی در راه گرفتن چنین کمک هایی بر می دارد. سال های سال طرفداران سیاست صنعتی سنتی نظیر کونراد زایتس رئیس گذشته ی برنامه ریزان وزارت امور خارجه مسئولین دولت را از نقش انحصاری ژاپن و ایالات متحده در تولید مواد خام صنعتی مورد نیاز دوران ارتباطات الکترونیکی یعنی میکروشیبیس برحذر می داشتند. دولت آلمان و کمیسیون بازار مشترک اروپا با پیروی از این سیاستمداران چندین میلیارد مارک از بودجه ی تحقیقاتی خویش را در شرکت های الکترونیکی و در درجه ی اول کنسرن زیمنس سرمایه گذاری نمودند. یک سرمایه گذاری بی نتیجه. زیرا امروزه کنسرن زیمنس که مرکزش در شهر مونیخ است شیبیس های نسل آینده را در همکاری با رقیبایی چون ای. بی. ام. و توشیبا تولید می کند. حتی زیمنس در نظر دارد از سال ۱۹۹۸ با شراکت کنسرن الکترونیکی موتورولا کارخانه ای در ریچموند ایالات متحده برپا نماید و کارآمدترین شیبیس تاکنونی یعنی شیبیس ۶۴ مگابیت را تولید نماید.

(۱۳)

رقابت در دادن کمک های دولتی تباه کننده و بی نتیجه بیانگر این واقعیت است که چگونه سیاست دولت ها در راه پر پیچ و خم اقتصاد جهانی سردرگم گردیده است. تشکیلات اقتصادی سازمان ملل که دائماً اشکال سرمایه گذاری های جهان را مورد بررسی قرار می دهد در این مورد می گوید: "فشار رقابت های جهانی دولت ها را بر آن می دارد که جذابیت های مالی خویش را چنان نمایند که از دید شرایط عینی دیگر قابل توجیه نیستند." از این رو آگاهان تشکیلات اقتصادی سازمان ملل بر این نظرند که می باید فوراً کوشش شود "از چنین افراطهایی خود داری شود." (۱۴) لیکن عاملین سیاسی جافتادن بازار جهانی برای آنکه به انتخاب کنندگان شان نشان دهند که اصولاً اقدامی بر علیه بیکاری می نمایند با ریختن طعمه های گران به حلقوم کارفرمایان در دراز مدت به کشورشان زیان می رسانند. این سیاستمداران با به تاراج دادن خزانه ی دولت به هدف دست یافتن کشورشان به تکه ی بزرگتری از کیک اقتصاد جهانی، یک نوع منطق اقتصاد کارخانه ای را به کشورشان تحمیل می نمایند. منطقی که به ورشکستگی اقتصادی کشورشان منتهی خواهد گردید. حتی اگر سوبسیدهای سنتی به بخش های کشاورزی، معادن، صنعت ساختمان و راه آهن را نیز به حساب نیاوریم مخارج سوبسیدهای اقتصادی سالیانه ی آلمان با تخمینی محتاطانه معادل صد میلیارد مارک است.

ابعاد این انتقال ثروت ساختار نهاد دولت را هرچه بیشتر تغییر می دهد. در این میان اندیشمندان نو لیبرال انیستیتود اقتصادی کیل برای تعریف نقش دولت های کنونی از یک اصطلاح علم زیست شناسی استفاده می نمایند. در یک نوشته ی تحقیقی این انیستیتود گفته

می شود که دولت در اقتصاد فراملیتی اکنون نقش يك "صاحب خانه" (جانوری که انگل در بدن اش زندگی می نماید) را به عهده گرفته است. معنی این جمله این است که کارخانه های بی حد و مرز به هم آمیخته هر چه بیشتر نقش يك انگل را بازی می کنند. آن ها کالای تولیدی شان را از طریق جاده ها و ریل های ساخته شده از اموال عمومی حمل و نقل می نمایند، کارکنان شان فرزندان شان را به مدارس دولتی می فرستند، مدیران کنسرن ها از تاترها و اپراهای دولتی لذت می برند و... لیکن سهم آن ها در ایجاد و حفظ زیر ساختارها و نهادهای فرهنگی فوق تنها مالیات دستمزدهای کارکنان شان است. لیکن از آنجا که مالیات حاصل از دستمزدها در اثر بیکاری ناشی از رقابت رو به کاهش است و بسیاری از مزد بگیران معتقدند که مالیات دستمزدشان دیگر مرزهای قابل تحمل را پشت سر نهاده است. کشورها یکی پس از دیگری گرفتار بحران مالی می گردند. بودجه های دولت ها گرفتار همان گردابی می باشند که درآمدهای مردم گرفتار آنند. در عین حال در کشورهای صنعتی مطالبات از دولت ها بیشتر می گردند تا کمتر. تکنولوژی جدید نگهداری از زیرساختارها را دائما گران تر می نماید. زیرا خرابی های ناشی از تخریب محیط زیست تعمیرات دائما بیشتری را باعث می گردند. بالا رفتن خدمت متوسط سن جمعیت مخارج بیشتری را در بخش درمانی و صندوق بازنشستگی به همراه دارد. در نتیجه سیاستمداران چاره ی دیگری جز این ندارند که کمک های دولتی را در آن جاهائی که نیروئی قوی در مقابل اش قد علم ننماید یعنی در حوزه ی کمک های اجتماعی، نهادهای فرهنگی و خدمات عمومی از استخرهای عمومی گرفته تا مدارس و دانشگاه ها \_تقلیل دهند. بدین طریق دولت ها در نهایت خود به ماموران انتقال ثروت از پائین به بالا بدل می گردند. این امر را قانون جدید مالیاتی که از تابستان ۱۹۹۶ به اجرا در آمد بشکل گویائی نشان می دهد. بر طبق این قانون در حالیکه بودجه ی خانواده ها و نهادهای دولتی سالیانه ۱۴،۶ میلیارد مارک تقلیل می یابد، معادل همین رقم از بارهای مالیاتی کارخانه ها و کارفرمایان کم می گردد.

در ایالات متحده و بریتانیای کبیر که حکومت های شان به موقع و داوطلبانه عقب نشینی نمودند به خوبی قابل رویت است که تقلیل بودجه ی دولت به نفع اقتصاد آزاد به کجا منتهی می شود. در این کشورها برای گسترش و یا حتی حفظ زیر ساختارهای عمومی دیگر بودجه ای وجود ندارد. دولت ایالات متحده به نسبت تولید ناخالص ملی اش فقط يك سوم ژاپن در راه ساختن جاده ها و ریل ها، مدارس، دانشگاه ها و بیمارستان ها هزینه می کند. (۱۶) به عنوان مثال در شهر واشنگتن بیشتر مدارس می باید نوسازی شوند. اما شهردار این شهر می گوید که برای تعمیر ساختمان مدارس به يك میلیارد و دویست میلیون دلار بودجه نیاز دارد. پلیس این شهر نیز برای حفظ وسایل تکنیکی و تعمیر اتومبیل هایش به رقم مشابهی نیاز دارد لیکن کنگره از پرداخت این بودجه سر باز می زند. کار مدارس تنها در آن جاهائی که مردم داوطلبانه کمک می نمایند می تواند بنحو صحیحی سامان یابد. ماموران پلیس اغلب می باید مخارج تعمیر اتومبیل های گشتی خویش را از جیب خود بپردازند تا اصولا قادر به انجام وظایف خویش گردند. (۱۷) در انگلستان نیز که دولت نمونه ای برای لیبرالیسم جدید اروپا محسوب می گردد، تعلیم و تربیت و سیستم امور اجتماعی به سطح يك کشور در حال رشد تنزل یافته است. امروزه از هر سه کودک بریتانیائی يك تن در فقر پرورش می یابد و يك و نیم کودک زیر شانزده سال می باید به خاطر نبود کمک های اجتماعی به کار بپردازند. در حالیکه در اروپا چهار پنجم کل جوانان هیجده ساله به کارآموزی مشغولند، در بریتانیا بیش از نیمی از نوجوانان هیجده ساله از آموختن کاری محرومند. در عین حال درصد بیسوادان به شدت در حال افزایش است. طبق

يك همه پرسي در حال حاضر يك پنجم تاممي بيست و يك ساله ها از انجام يك ضرب و تقسيم ساده در مغز خویش عاجزند و يك هفتم آن ها قادر به خواندن و نوشتن نمي باشند. (۱۸)

در آلمان که نسبت به انگلستان ثروتمند تر است و در آن رفاه هنوز هم در سطح وسيعي تقسيم گشته است و شهروندان اش نسبتا از دولت انتظار همه گونه خدماتي را دارند اين روند به تازگي شروع شده است. اين امر در غني ترين و در عين حال مقروض ترين شهر آلمان يعني فرانکفورت شديدا به چشم مي خورد. حتي تا سال ۱۹۹۰ نیز فولکر هاوف شهردار سوسيال دمکرات آن زماني فرانکفورت قول مي داد که "ثروت فرانکفورت براي همه است". شش سال بعد براي توم کونيك خزانه دار اين شهر از حزب سبزها راه ديگري بجز آن که اين قول را قدم به قدم پس بگيرد، باقي نمانده است. در حالیکه بزرگترين منبع درآمد اين شهر يعني ماليات بر ثروت با وجود چهارصد و چهل شعبة ي بانک و بيست درصد رشد اقتصادي، امروزه درآمد کمتری از سال ۱۹۸۶ نصیب خزانه ي شهرداري مي نمايد، کمک هاي اجتماعي هنوز هم از لحاظ قانوني تضمين شده تقریبا سه برابر گرديده اند. اکنون مي بايد سي مرکز از چهل و شش مرکز ویژه ي تماس با همسايگان تعطيل کردند. چندین استخر عمومي به معرض فروش نهاده شده اند. براي ابتکارات اجتماعي همچون مراکز تماس مردم محله هاي شهر و يا تماس مهاجرين ديگر پولي وجود ندارد. مدارس موسيقي و موزه ها کوچک تر مي شوند. کل برنامه ي فصل تابستان تاتر معروف به "تاتر ام تورم. به شش هفته محدود گرديده است. رهبر اپراي شهر به خاطر تقليل کمک هاي شهرداري تهديد به تعطيل برنامه هاي اپرا نموده است. هنوز قربانيان اين اقدامات قليل اند. ليکن رهبران از وقوع حوادث ناگوار بيم دارند "ما با اين خطر مواجهيم که قابليت تعادل اجتماعي مان فلج گردد." اگر وضع بهمين منوال ادامه يابد "همزیستی مسالمت آمیز طبقات و ملیت ها و اشکال مختلف زندگي شهر فرانکفورت منفجر خواهد گشت." (۱۹)

[socialistha@ois-iran.com](mailto:socialistha@ois-iran.com)

[www.ois-iran.com](http://www.ois-iran.com)